

### ۱. ترجمه‌های لاتینی قرآن

در اغلب نوشته‌های فارسی و عربی، اطلاعاتی که درباره ترجمه‌های لاتینی قرآن آمده، نادرست است. گذشت زمان نیز تنها به مغشوش‌تر شدن این گفته‌ها انجامیده است. برای مثال آقای معرفت به نقل از تاریخ القرآن مرحوم ابو عبدالله زنجانی (ص ۶۹) در اشاره به این مطلب نوشته‌اند: «شاید اولین ترجمه به زبان لاتین (زبان علم در اروپا)، در سال ۱۱۴۳ میلادی به وسیله کنت با همکاری پطرس طلیطلی و یک دانشمند عرب به انجام رسید. این ترجمه برای عرضه به دیر کلونی انجام شد. مقصود از این کار نوشتن ردّ بر قرآن بود. در سال ۱۵۹۴ میلادی هنکلمان ترجمه قرآن را منتشر کرد و به دنبال آن در سال ۱۵۹۸ میلادی چاپ مارکی به همراه ردیه بر قرآن انتشار یافت.»

مرحوم اسعدی نیز در اشاره به این موضوع در چند جای کتاب خود مطالبی آورده است. ایشان فصل پنجم تحقیق خود را با عنوان «نخستین ترجمه قرآن مجید به زبان لاتینی» (ص ۶۴-۷۸) به این موضوع اختصاص داده‌اند. در بخشی از این فصل، مرحوم اسعدی درباره اولین ترجمه قرآن به لاتینی نوشته‌اند: «... بخشی از نخستین اهتمام جدی آباء کلیسا به ترجمه متون اصلی و دینی اسلامی، با پیشقدمی و نفقه یک اسقف فرانسوی، (پطرس المکرم یا پطرس واجب التکریم)، توسط یک کشیش انگلیسی (رابرت اهل چستر یا رابرت کتونی) و یک کشیش آلمانی - اتریشی (یعنی هرمان دالماتی که ظاهراً به دالماسی یا دالماسی یا Dalmacija، از متعلقات سابق پروس یا اتریش، منسوب بوده)، در اسپانیا فراهم آمد. هم پطرس المکرم (۱۰۹۴-۱۱۵۶ / ۴۸۷-۵۵۱)، هم رابرت کتونی (اشتهارش در سال‌های ۱۱۴۱-۱۱۴۸/۵۳۶-۵۴۳)، و هم هرمان دالماتی (متوفی ۵۶۸/۱۱۷۲) هر سه از راهبان بندیکتی بودند... این ترجمه که نخستین ترجمه کامل قرآن مجید به یک زبان غربی یا غیراسلامی بود، وسیعاً در اروپا نشر یافت و در سال ۹۵۰/۱۵۴۳ نخستین ترجمه کامل اروپایی قرآن مجید بود که به توصیه مارتین لوتر، و با مقدمه‌ای به قلم او، در شهر بال سوئیس، چاپ شد» (ص ۷۲-۷۳).

الویری نیز در اشاره به این مطلب می‌نویسد: «مهم‌ترین تلاش انجام شده در این دوره برای شناخت دین اسلام ترجمه قرآن است. رابرت کاتیانی (صاحب آوازه در سال‌های ۱۱۴۱-۱۱۴۸ م) و احتمالاً هرمان دلماتی (۱۱۷۲ م) در سال ۱۱۴۳ م ترجمه‌ای از قرآن را زیر نظر پطرس محترم (۱۰۹۴-۱۱۵۶ م) به انجام رساندند که آکنده از نیش و کنایه و الفاظ مستهجن و تحریفات نسبت به پیامبر (ص) و قرآن و اسلام بود و پطرس محترم نیز خود ضمیمی بدان افزود. این ترجمه نادرست و تحریف شده از قرآن، مبنا و سرمشق چند ترجمه دیگر از قرآن در قرون بعدی شد و اصولاً تأثیری تعیین‌کننده در ذهنیت نادرست اروپاییان نسبت به اسلام داشت. جالب توجه است که ارباب کلیسای کلونی که این ترجمه در آنجا صورت گرفته بود از ترس این که مبدا دیگران تحت تأثیر تعالیم قرآن قرار گیرند، تا چهار صد سال از انتشار این ترجمه خودداری کردند و آن را به صورت مخفی نگاه داشتند تا اینکه در سال ۱۵۴۳ م. در بازل و در سال

## نقد و بررسی کتاب

هدای موسوی

# مسلمانان و پژوهش‌های خاورشناسان

نوشته حاضر، مروری اجمالی است بر چند کتاب تازه منتشر شده درباره شکل‌گیری و تحول جریان خاورشناسی. کتاب اول، مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان از آغاز تا شورای دوم واتیکان (۱۹۶۵) (تهران، سمت، ۱۳۸۱). پایان نامه مرحوم مرتضی اسعدی است که بعد از مرگ مؤلف منتشر شده است. کتاب دوم، مطالعات اسلامی در غرب تألیف دکتر محسن الویری به سفارش سمت است که در سال ۱۳۸۱ منتشر شده است. مقایسه این دو کتاب از چند جهت جالب توجه خواهد بود. هر دو کتاب در داخل کشور تألیف شده‌اند و از این رو، دسترسی کمتری به منابع خارجی داشتند؛ و موضوع دو کتاب شکل‌گیری مطالعات اسلامی در غرب است. در این نوشته، تنها به بررسی چند موضوع مشترک بین این دو کتاب بسنده شده است و از چند کتاب دیگر به اجمال سخن رفته است.

۱۵۵۰ م. همراه با مقدمه مارتین لوتر [در متن به خطا مارتین لوتر کینگ] به چاپ رسید» (ص ۴۹-۵۰).

ایشان در جایی دیگر باز در اشاره به ترجمه‌های لاتینی قرآن می‌نویسند: «نخستین ترجمه موجود قرآن به زبان اروپایی همان ترجمه افرادی چون رابرت کاتیانی و رابرت اهل چستر و هرمان دلماطی زیر نظر پطرس محترم (۱۱۵۶ م) آن را به انجام رساندند. پیش از این، درباره این ترجمه و تأثیر آن در شکل‌گیری تفکر غربی‌ها درباره اسلام سخن گفتیم. مرقس تولویوی (طلیطلی) دومین ترجمه قرآن به زبان لاتینی را در قرن سیزدهم میلادی پدید آورد. چهار قرن بعد، ترجمه‌ای دیگر به زبان لاتینی از سوی دومینیکوس گرمانوس (۱۶۷۰ م) پدید آمد و سی سال بعد از آن، لودویکو ماراچی یا ماراتچی (۱۷۰۰ م) قرآن را مستقیماً از زبان عربی به لاتینی ترجمه کرد. گفته شده است که این ترجمه، مستقیم یا غیرمستقیم، پایه و اساس اکثر ترجمه‌های جدید قرآن به زبان‌های اروپایی قرار گرفت.» (ص ۱۰۶).

آنچه که در این چند نقل قول درباره ترجمه‌های لاتینی قرآن آمده، مشحون از خطاست. دلیل این امر را باید در مآخذ مؤلفان جست‌وجو کرد. اغلب این مآخذ عربی است. متأسفانه در تحقیقات عربی درباره این موضوع، بیشتر اطلاعات در هم و نادرست است. برای مثال، علاوه بر منابعی که در متن این دو کتاب آمده، می‌توان به نوشته عبدالله عباس الندوی در کتاب ترجمات معانی القرآن الکریم و تطور فهمه عندالغرب (مکه، ۱۴۱۷، ص ۴۰) اشاره کرد: «[پس از ترجمه روبرت چستری و هرمان] ترجمه لاتینی دیگری انجام شد که آن را لودویکو ماراتچی ایتالیایی در سال ۱۶۶۸ م. در پادوا به چاپ رسانده است و گفته‌اند ماراتچی، فردی عالم به زبان عبری و عربی و برخی زبان‌های سامی بوده است و کتابخانه شخصی وی، مملو از کتاب‌های دینی بوده است. حتی نسخه‌های خطی دیگری از کتابخانه‌های ایتالیا در اختیار وی بود، اما کسی از هم‌عصران وی و افراد پس از او، نمی‌دانند که ماراتچی در ترجمه قرآن از چه منابعی بهره برده است. در کتابخانه وی که پس از مرگش به فروش رسید، قاموسی عربی و کتابی در تفسیر نبوده و دلیلی بر این که وی از کشورهای عربی زبان دینار کرده، نیز در دست نیست و آنچه درباره وی دانسته است، آن است که وی مشاور پاپ اینوسان دهم بوده است و این ترجمه را به امپراتور روم لیپود اول تقدیم کرده و رساله‌ای نیز درباره اسلام و پیامبر به نام P<sup>u</sup>rodromus دارد که آن را در حکم مقدمه‌ای بر ترجمه‌اش نگاشته که آن را جداگانه نیز منتشر کرده است.»<sup>۲</sup>

آقای الویری در اشاره به علت مراجعه خود به متون فارسی و عربی نوشته است: «... کتاب حاضر ویژه دوره کارشناسی تلویین یافته است و بنابراین، درباره منابع آن نیز باید به این نکته دقت کرد که علت استفاده کمتر از منابع انگلیسی، افزون بر دشواری دسترسی به آنها، استفاده و مراجعه کمتر دانشجویان به آنهاست؛ زیرا دانشجویان ما، معمولاً در دوره



کارشناسی توان کمتری برای بهره‌گیری از منابع خارجی و به طور مشخص انگلیسی دارند» (ص ۵). استدلال آقای الویری، عذر بدتر از گناه است؛ مثلاً برای تحقیق درباره تاریخ اسلام نمی‌توان متون عربی را نادیده گرفت و از متون ترکی استفاده کرد، آن هم به دلیل در دسترس نبودن یا ناتوانی در استفاده از آنها. درباره ترجمه لاتینی قرآن، می‌توان به توضیحات محققان این حوزه چون جیمز کریتریک، ماری ترزا آلورنی و دیگران مراجعه کرد.

درباره ترجمه‌های لاتینی این توضیح مختصر را می‌توان داد: نخستین تلاش برای ترجمه کامل قرآن به لاتینی، به پی‌جویی پیترو جلیل (پطرس مکرم) انجام شد. این کار مهم را رابرت کتون انجام داد. دومین ترجمه لاتینی را نیز مارک طلیطله‌ای انجام داد. برای تفصیل مطالب در این باره برای مثال می‌توان به آثار زیر رجوع کرد:

James kritzcek, "Peter the venerable and the Toledan collection", in idem, petrus venerabilis (1156-1956): studies and Texts Commemorating the Eighth centenary of his Death, studia Anselniqna 40 (Rome, 1956), pp.176-201; idem, "Robert of ketton's Translation of the Quran", The Islamic Quarterly, II: 4 (December, 1955), pp.309-12; idem, "peter the venerable and Islam", American

انتشار این ترجمه ایشان به آنچه که خود در جایی دیگر گفته‌اند، دقت کافی مبذول نکرده‌اند. این ترجمه یکی از مهم‌ترین منابع آگاهی راهبان مسیحی از اسلام بوده است و انتشار آن نیز البته به دیرهای این راهبان محدود بوده است چرا که مردم عادی تمایلی به شناخت اسلام نداشتند. اما درباره نسخه‌های متعدد این ترجمه، ایشان اگر به مقالات خانم آلورنی مراجعه کرده بودند، دچار این خطا نمی‌شدند. خانم ماری ترزا آلورنی، از محققان برجسته اسلام‌شناس است که کارهای مهمی درباره نسخه‌های خطی لاتینی قرآن انجام داده است. وی در سال ۱۹۴۷-۴۸، در مقاله‌ای مفصل به معرفی دو ترجمه کهن لاتینی قرآن در قرون وسطا پرداخت و در مقالات دیگری نیز این مسئله را پی گرفت که اینک مجموعه هفت مقاله وی درباره ترجمه‌های لاتینی قرآن در مجموعه‌ای به نام

*La Connaissance de l'Islam dans l'occident medieval*, London: Variorum, (1994)

به چاپ رسیده است.

#### مجموعه طلیطله<sup>۱</sup>

محققان آثار لاتینی قرون وسطا درباره اسلام، مجموعه‌ای را که در ۱۵۴۲ در شهر بازل به چاپ رسیده است مجموعه طلیطله نامیده‌اند. این مجموعه، متنوع است و رسائل مختلفی را در برمی‌گیرد که بخشی از آن به کوشش و پی‌جویی پیتر جلیل تهیه شده است. آقای الویری در اشاره به این مجموعه می‌نویسند: «دیگر اثر اسلام‌شناس قرن دوازدهم، مجموعه تولو است که آن هم به کوشش و تحت نظر پطرس محترم فراهم آمد. این مجموعه شامل چندین اثر و ترجمه و به خوبی نشان‌دهنده طرز تفکر کلیسا در آن دوران درباره اسلام است. یکی از اجزای این مجموعه کتابی است به نام «آیین محمد»، دربردارنده صد سؤال و جواب که گفته می‌شود، چهار نفر یهودی از پیامبر پرسیده‌اند و شامل بسیاری از افسانه‌ها و اساطیر است. جزء دیگر این مجموعه کتابی است با نام «نسب محمد» و آن هم آکنده از خرافات و گزافه‌هاست. پطرس خود نیز سه اثر علیه اسلام نوشت که جزء همین مجموعه است: نخست جزوه‌ای با نام «رد و ابطال»، دیگری کتابی با نام خلاصه‌ای از تعالیم اسلام و سومی کتابی با عنوان نقدی بر اسلام. این دو کتاب اخیر ظاهراً همان ضامم و افزوده‌های او بر ترجمه قرآن رابرت کنونی [در متن به خطا کاینانی] است» (ص ۵۰).

آنچه که به «مجموعه طلیطله» مشهور است، نامی است که خانم آلورنی بر مجموعه چاپ شده در بازل نهاده است. هارتموت بوتستین درباره این مجموعه می‌نویسد: «قرآن بازل در واقع چیزی بیش از ترجمه لاتینی قرآن بود. این مجموعه در سه بخش با صفحه عنوان‌های مختلف به چاپ رسیده است. جزء اول مشتمل بر بخش اعظم مجموعه طلیطله است. بخش دوم، مجموعه‌ای از ردیه‌ها و جزء سوم با عنوان *Historiae* به تاریخ ساراسن‌ها و ترکان می‌پردازد.» آنچه که آقای الویری به عنوان «آیین محمد» معرفی کرده‌اند چیزی جز مسائل عبدالله بن سلام نیست.<sup>۲</sup>

*Benedictine Review*, VII: 2 (summer, 1956), pp. 144-49; idem, *Peter the Venerable and Islam*, Princeton University Press, 1964.

اشکالات موجود در گفته‌های مرحوم ابو عبدالله زنجانی چنین است: الف) مترجم قرآن به لاتینی رابرت کنونی است که نام وی به صورت انگلیسی *Robert of Ketton* است که عمدتاً به رابرت چستری (*Robert of Chester*) یا *Robert of Reading* نیز مشهور است (در مورد وی ر.ک: جیمز کریتزیک، پیتر جلیل، ص ۶۲-۶۵). ب) نام صحیح پطرس طلیطله‌ای که مرحوم زنجانی وی را همکار رابرت کنونی نامیده، پیتر طلیطله‌ای (*Peter of Toledo*) است که بخش اول طرح پیتر جلیل را اجرا کرد. پیتر جلیل در ابتدا «رسالة عبدالله بن اسماعیل الهاشمی الی عبدالمسیح الکندی و رسالة الکندی الی الهاشمی» را به لاتینی برگرداند. از آنجا که این ترجمه نثر روانی نداشت، کار تهذیب متن را پیتر پویترس (*Peter of Poitiers*) که احتمالاً همان پدرو آلفونس باشد، به عهده گرفت و این‌گونه اولین بخش از طرح پیتر جلیل در رد اسلام انجام شد (ر.ک: جیمز کریتزیک، پیتر جلیل، ص ۵۶-۶۱). اشکالات موجود در گفته‌های مرحوم اسعدی نیز چنین است: الف) هرمان دالماتی یا هرمان کارینثیا (*Herman of Carinthia*) فقط مترجم کتاب‌های مسائل عبدالله بن سلام و رساله‌ای در نسب پیامبر به نام «نسب الرسول» تألیف فردی به نام سعید بن عمر بود و دخالتی در ترجمه قرآن نداشت (ر.ک: جیمز کریتزیک، همان، ص ۶۶-۶۷). ب) درباره چاپ نخستین ترجمه لاتینی قرآن به اختصار چنین می‌توان توضیح داد: در سال ۱۵۴۲ عالم سوئسی پروتستان، تئودر بوخمان یا تئودر بیلیاندر<sup>۳</sup> که جانشین اولریخ تسوینگلی<sup>۴</sup> در زوریخ بود، همراه با ناشر مشهور شهر بازل، یوهان هرپرست<sup>۵</sup> تصمیم به انتشار ترجمه لاتینی کنونی گرفتند. بوخمان متن را با وجود بضاعت علمی اندک تصحیح کرد و کار چاپ را به یوهان هرپرست و انهدا. شوری شهر بازل با انتشار کتاب مخالفت کرد و تنها بعد از مشاجرات فراوان و پادرمیانی مارتین لوتر درباره بی‌اشکال بودن چاپ ترجمه، متن منتشر شد. تفصیل این مطلب را در آثار زیر مطالعه کنید:

James Kritzeck, *Peter the Venerable and Islam*, pp. vii- viii; Hartmut Bobzin, "Latin Translations of the Koran, A short overview", *Der Islam*, 1993, LXX, Hefiz, pp. 193-198; idem, "A Treasury of Heresies, Christian Polemics against the Koran", in: Stefan Wild, ed., *The Quran as Text*, (E.J. Brill, 1996), pp. 157-164.

درباره اشکالات گفته‌های آقای الویری این نکات را می‌توان بیان کرد: الف) ایشان نوشته‌اند که ارباب کلیسا از بیم تأثیر ترجمه کنونی، این برگردان را مدت چهار سال پنهان کردند و مانع از انتشار آن شدند. این گفته از چند جهت دارای اشکال است: نخست آنکه صنعت چاپ مدت‌ها بعد از ترجمه ابداع شد یعنی حوالی چهار قرن بعد از ترجمه. دوم، درباره

یکی دیگر از ترجمه‌های با اهمیت لاتین قرآن، ترجمه کاردینال اسپانیایی به نام خوان سگویایی (متوفی ۱۴۵۸) است. آقای الویری در اشاره به این ترجمه چنین نوشته‌اند: «خوان اهل منسگوویا (۱۴۵۸ م) (از شهرهای اسپانیا) ترجمه‌ای نو از قرآن عرضه کرد و در مقدمه‌ای که بر آن نوشت بر لزوم مجادله علمی با مسلمانان پای فشرد.» (ص ۶۳). در جایی دیگر نیز در اشاره به این فرد نوشته‌اند: «قابل توجه است که در نیمه قرن پانزدهم میلادی مردی به نام ژان دوسیگوی (۱۴۶۰ م) خواستار آشتی و مناکره با مسلمانان شد...» (ص ۱۹۷). داستان این ترجمه و اهمیتی که دارد قابل توجه است. کاردینال خوان سگویایی (متوفی ۱۴۵۸م) در مدت اقامت در صومعه آیتون (ساوین) به فکر انجام ترجمه‌ای جدید از قرآن افتاد. این عالم نامور اسپانیایی دوست نیکولاس کوزایی و آناسلیو پیکولمینی (که بعدها به پاپ پیوس دوم مشهور شد) بود. وی در مدت اقامت در آیتون به مطالعه ترجمه لاتینی کتونی پرداخت و این ترجمه را چندان دقیق نیافت. وی با فقیهی مسلمان به نام عیسی بن جابر یا عیسی شاذلی آشنا شد و از او دعوت کرد تا مدتی نزد وی برود. قرآن نخست به زبان اسپانیایی ترجمه شد و این کار را فقیه مسلمان با بهره‌گیری از برخی تفاسیر انجام داد. مرحله بعد را سگویایی خود برعهده گرفت و این متن را به لاتینی برگرداند. تا مدت‌ها قبل گمان بر این بود که متن این ترجمه لاتینی و اسپانیایی مفقود شده‌اند. تنها دانسته بود که از ترجمه لاتینی، بخش مقدمه باقی است. با یافت شدن نسخه‌ای اسپانیایی از ترجمه قرآن این گمان پدید آمد که متن یافت شده، نسخه‌ای از ترجمه اسپانیایی عیسی بن جابر باشد. این مسئله مورد مناقشه محققان است. در این باره به آثار زیر می‌توان رجوع کرد:

Dario Cabonelas, "Juan de segonia y el primer Alcoran trilingue", Al-Andalus, 14(1949), pp.144-73; idem, Juan de segovia y el problema islamica (Madrid, Universided, 1952); Gerard wiegers, Islamic Literature in spanish and Aljamiada: Ycaof Segovia (fl. 1450), His Antecedents and successors (Leiden, 1994), pp. 98-114.

نسخه یافت شده، ترجمه‌ای از قرآن و کتابت ۱۶۰۶ م. است و در نسخه‌ای در طلیطله (شماره ۲۳۵ کتابخانه publica provincial (Biblioteca Biblioteka) باقی است. برای معرفی از این نسخه ر.ک: Consuelo lopez-Morillas, "Trilingual Marginal notes (Arabic, Al Jamiado and Spain) in a morisco Manuscript from Toledo", The Journal of American oriental society, 103 (1983), pp.495-504.

برای مناقشه در تردید به این انتساب ر.ک: Consuelo Lopez-Morillas, "Lost and Found Yca of segovia and The Quran among The Mudejars

### لوتر و قرآن

یکی از مسائل دیگری که آقای الویری درباره آن مطالبی نقل کرده‌اند، موضع مارتین لوتر درباره قرآن است. ایشان در این باره چنین نوشته‌اند: «روحیه عناد و لجاج بر ضد مسلمانان بدون درگیری نظامی، در افکار مارتین لوتر (۱۴۸۲-۱۵۲۶ م) نیز به چشم می‌خورد... وی ترجمه قرآن را بابت کتونی و هرمان دالماتی را که در سال ۱۱۴۳ م. زیر نظر پطرس محترم انجام شده، ولی منتشر نشده بود، به همراه رديه‌ای بر قرآن به قلم مونته کروچه و نیز مقدمه‌ای به قلم خودش در سال ۱۵۴۳ م. به چاپ رساند...» (ص ۶۳-۶۴). متأسفانه این توضیحات نیز دارای اشکال است. یکی از مهم‌ترین رديه‌هایی که بر علیه اسلام در قرون وسطی نگاشته شده، کتابی است با عنوان *Improbatio Alcorani* یا *Contra legem saracenorum* تألیف ریگالدو دومونته کروچه (متوفی ۱۳۲۰) و این را از اقبالی که به این کتاب می‌شده، می‌توان دریافت.<sup>۲</sup> متن لاتینی این کتاب را فردی به نام دمیتیروس کیدونس (۱۳۲۴-۱۳۹۷ یا ۱۳۹۸) به یونانی ترجمه کرد. متن یونانی بار دیگر به لاتینی ترجمه شد و همین متن دوباره ترجمه شده را مارتین لوتر در ۱۵۴۲ به آلمانی ترجمه کرد و آن را با عنوان *Alkorans Verlegung des* به چاپ رساند، البته جنا از مجموعه طلیطله.<sup>۳</sup>

### نخستین قرآن چاپی در ونیز

یکی از مسائل مورد اختلاف میان محققان، تاریخ چاپ اولین متن عربی قرآن در غرب است. مرحوم اسعدی در اشاره به این مطلب می‌نویسد: «نخستین متن چاپ عربی قرآن مجید همان بوده که در حدود سال ۹۳۷/۱۵۳۰ در ونیز چاپ شده بود و همه نسخه‌های آن به دستور پاپ پل سوم (۱۵۳۴-۱۵۳۷/۱۵۳۷-۹۴۴-۹۴۴) از بین برده شده بوده است» (ص ۸۵). الویری نیز در اشاره به نخستین چاپ قرآن نوشته است: «... پس از ساختن حروف عربی در سال ۱۵۳۰ م. نخستین متن عربی قرآن و دیگر آثار علمی به چاپ رسید...» (ص ۶۶). در جایی دیگر نیز چنین نوشته است: «در سال ۱۶۹۴ م. ای هینکلن نخستین متن عربی قرآن را به چاپ رسانید که اقدامی مهم برای دسترسی مستقیم به مهم‌ترین متن اسلام‌شناسی به شمار می‌رفت و چهار سال بعد در سال ۱۶۹۸ م. لودوویکو ماراکسی متن عربی قرآن را همراه با ترجمه لاتینی آن و یک مقدمه چاپ کرد.» (ص ۷۰-۷۱). چند نکته درباره این مطالب قابل ذکر است. در سالیان اخیر شواهدی یافت شده است که علت احتمالی از بین رفتن متن چاپی ونیزی را توضیح می‌دهد. نسخه‌ای از اولین چاپ متن عربی قرآن را محقق ونیزی به نام خانم آنجلو نوو (*Nuovo Angelo*) یافته است. وی بعد از بررسی متن یافت شده، تاریخ احتمالی انتشار این چاپ را بین آگوست ۱۵۳۷ تا آگوست ۱۵۳۸ می‌داند. وی انگیزه احتمالی معدوم نمودن این چاپ را غیرقابل فروش بودن متن به دلیل

مربوط به قرآن و نقد پارامی از آنها پرداخته است» (ص ۱۰۹). درباره مقالات و فعالیت‌های قرآنی آرتور جفری و اتینگهاوزن نیز چنین می‌نویسد: «... آرتور جفری در کتاب واژه‌های دخیل در قرآن، واژه‌های اتیوپیایی، فارسی، یونانی، هندی، سریانی، عبری، نبطی، قبطی، ترکی، زنگی و بربری در قرآن را بررسی کرده است. مؤلف، مطالب کتاب را عموماً از مصادر مسلمین گردآوری و تنظیم کرده است. او نوشته‌ای نیز به نام قرائت زیدبن علی دارد. درباره تاریخ قرآن، همچنین شایسته است از کتاب قرآن در عهد سلجوقی اثر ریچارد اتینگهاوزن آمریکایی نام ببریم» (ص ۱۱۰).

اشکالات این بخش فراوان است اما اشکال اساسی عدم مراجعه به مراجع اولیه کتاب‌شناسی مطالعات غربی و اثر بسیار مهم Index Islamicus است. مراجعه به المستشرقون نجیب عقیقی فقط بر اشتباهات افزوده است. نوشته الویری درباره کار مارگلیوت در تلخیص تفسیر بیضاوی به این معناست که مارگلیوت کل تفسیر را تلخیص کرده است. در حالی که مارگلیوت تنها ترجمه‌ای گزیده از سوره آل عمران تفسیر بیضاوی را با این مشخصات انجام داده است:

Dauids. Margoliouth, chrestomathia Baidawiana: the commentary of El-Baidaw; on sura III, translated and explained for the use of student of Arabic. London: Luzac, 1844. xv+216pp.

توضیح کوتاه الویری درباره رودی پارت (۱۹۰۱-۱۹۸۳) به هیچ رو کافی نیست و خواننده گمان می‌کند که پارت تنها ترجمه‌ای درباره قرآن انجام داده و به ذکر برخی حواشی و توضیحات بسنده کرده است. نوشته‌های فراوان پارت درباره قرآن چنین است:

1) Der Koran. Uebersetzung (stuttgart etc: kohlhammer, 1962 [Rev. paper back ed. 1972, 1980]

که ترجمه متن قرآن است که پارت در سال ۱۹۶۲ منتشر کرده است.

2) Der Koran. Kommentar and Konkordanz (Stuttgart exc: Kohlhammer. 1971 [2nd ed. 1977. Paperback ed. with addendum, 1980].

این اثر شرح و معجم‌المفهرس بر ترجمه پارت است که نخست در سال ۱۹۷۱ منتشر شد. متن منتشر شده این کتاب در سال ۱۹۸۰ با افزوده‌هایی است.

3) Der Koran. Darmstadt: Wissenschaftliche Buchgesellschaft, 1975).

کتاب فوق، مجموعه‌ای حاوی پنجاه مقاله قرآنی از خاورشناسان است که پارت گردآوری کرده و خود در مقدمه‌ای مبسوط گزارشی از مطالعات قرآنی در غرب آورده است. این تنها برخی از مقالات پارت است که آقای الویری چنین کوتاه از وی یاد کرده‌اند.<sup>۳۳</sup>

این اختصار در توضیحات در اشاره به آثار دیگر خاورشناسان نیز وجود دارد. گفته‌های ایشان درباره ایگناس گولدتسیهر و ریچارد بل نیز از

بدعت‌آمیز بودن نزد مسلمانان ذکر کرده است. اما موریس بورمانز (Mourice Borrmans) با بررسی این چاپ به نکته اساسی‌تری پی برد. وی بر این گمان است که دلیل اساسی ناشران ونیزی پاکتیو در معنوم کردن این چاپ آن بود که آنها نتوانسته بودند اعراب مناسبی برای متن تهیه کنند و تنها از اعراب فتحه در اعراب‌گذاری متن استفاده کرده و متنی از قرآن پدید آوردند که تماماً اعراب فتحه داشته است. از آنجا که چنین متنی مسلمانان را بر می‌آشفته و آنها مسیحیان را متهم به تلاش برای تحریف قرآن می‌کردند راه علاج را در از بین بردن متن چاپی دیدند. درباره چاپ ترجمه مارانتچی نیز این توضیحات مفید خواهد بود. دومین ترجمه لاتینی چاپ شده قرآن را کشیش ایتالیایی لودویکو مارانتچی (۱۶۱۲-۱۷۰۰) انجام داده است. وی ترجمه خود را در دو جلد عرضه کرد. جلد اول که ظاهراً برای نخستین بار در سال ۱۶۹۴ منتشر شده است تنها رده‌ای بر قرآن است. چهار سال بعد یعنی در ۱۶۹۸ در پادوا، چاپ دوم جلد اول و چاپ اول جلد دوم که ترجمه متن قرآن به همراه متن عربی بوده، منتشر شد.<sup>۳۴</sup>

#### نکاتی درباره مطالعات قرآنی

یکی از مباحث مهم کتاب مطالعات اسلامی در غرب، مباحث مطالعات قرآنی است که در ذیل قرآن کریم (ص ۱۰۴-۱۱۷) آمده است. مؤلف بحث را با ذکر ترجمه‌های قرآن آغاز کرده و در اشاره به فعالیت‌های مارگلیوت و رودی پارت می‌نویسد: «مارگلیوت (۱۹۴۰ م) ترجمه گزیده‌ای از تفسیر بیضاوی را به زبان انگلیسی به چاپ رساند و رودی پارت آلمانی (۱۹۸۳ م) نیز ترجمه قرآن به زبان آلمانی را همراه با حواشی بر آن به شرح واژه‌ها ارائه کرده» (ص ۱۰۶). همچنین ایشان ضمن دسته‌بندی فعالیت‌های قرآنی خاورشناسان (ترجمه قرآن، چاپ قرآن و نگارش کشف‌الایات، مطالعات قرآنی) در هنگام یادکرد مطالعات قرآنی چنین نوشته‌اند: «سومین حوزه مطالعات قرآنی مورد توجه مستشرقان، تاریخ و علوم قرآن با تکیه بر محورهایی مانند نزول، ساخت، ترکیب، قرائات، لهجه‌ها، گردآوری و کتابت قرآن بوده است... همچنین ایگناس گولدتسیهر (۱۹۲۱ م) کتابی به نام تاریخ تفسیر قرآن نوشت و ریچارد بل انگلیسی‌الاصل (۱۹۲۸ م) نیز آثاری مهم را در زمینه علوم قرآنی از خود به یادگار گذاشت. از مهم‌ترین آثار او درباره قرآن، غیر از ترجمه آن، اسلوب قرآن کریم و تشبیه در قرآن کریم و مقالاتی در معرفی و توضیح پاره‌ای از سوره قرآنی است. وی همچنین درآمدی بر قرآن نوشت که پس از مرگش در سال ۱۹۳۵ م. به چاپ رسید» (ص ۱۰۷-۱۰۸).

در اشاره به فعالیت‌های قرآنی وات نیز می‌نویسد: «کتاب مقدمه قرآن مونتهگمیری وات نیز که در سال ۱۹۷۷ م. و در یازده فصل به چاپ رسید به بحث درباره محیط و تاریخ زندگی پیامبر (ص) و مسئله امی بودن پیامبر (ص) و تاریخ قرآن و مراحل جمع آن و تقسیم‌بندی ظاهری آن و ویژگی‌های روش قرآنی در بیان مطالب مختلف و نظریه فسخ و ترتیب نزول و نام‌های قرآن در قرآن و اهتمام دانشمندان مسلمان به قرآن و سرانجام قرآن و دانشمندان غرب همراه با سبایه‌ای از کتاب‌های

شد. در انجام این طرح، جفری به بازسازی مصاحف کهن همت نهاد و کتاب المصاحف سجستانی را تصحیح کرد و در کتابی با عنوان منبعی برای مطالعه متن قرآن (لیدن، ۱۹۳۷) منتشر ساخت.<sup>۳۷</sup> گردآوری قرائت زیدبن علی در دو مقاله نیز با چنین رویکردی انجام شد. هر چند این خیال راهی به جایی نبرد، اما این پرسش برای محقق امروزی مطرح است که این همه قرائت بدیل چیست و چه معنایی دارد؟ آنچه که به عنوان کتاب «قرآن در عهد سلجوقی» معرفی شده، عنوان مقاله‌ای است از ریچارد اتینگهاوزن که با این مشخصات منتشر شده است:

R. Ettinghansen, "A Signed and dated Seljuq Quran", Bull. Am. Inst. Pers. Art 4 (1935), pp. 92-102.

در چند صفحه بعد (ص ۱۲۰) در بحث از مطالعات غربیان در زندگی پیامبر(ص)، چنین آمده است: «آرتور جفری نیز کتابی به نام تاریخ محمد نگاشت». نگارنده تا آنجا که اطلاع دارد، آرتور جفری کتابی به این نام تألیف نکرده است هر چند وی مقالاتی درباره زندگی پیامبر(ص) نگاشته است.<sup>۳۸</sup>

یکی از اشکالاتی که آقای الویری به عنوان ابهام‌ها و شبهات خاورشناسان درباره قرآن مطرح کرده‌اند، بحث تحریف قرآن است. ایشان در اشاره به این مطلب نوشته‌اند: «محور دوم ابهام‌ها و شبهات، مربوط به راه یافتن زیادت و نقصان در متن قرآن در طول تاریخ است که با شبهه تحریف قرآن نزد خود مسلمانان قرابت دارد. نولدکه آشکارا به تحریف قرآن اعتقاد داشت و البته گفته شده است که او بعدها از این اعتقاد دست کشید» (ص ۱۱۶). داستان این اشارت کوتاه آقای الویری مفصل است. از اواخر قرن نوزدهم که حاکمیت نگاه پوزیتیویستی بر علوم، به خاورشناسی نیز سرایت کرده بود، خاورشناسان نخست با انتشار مقالاتی درباره دو سوره جعلی ولایت و نورین به بحث فقدان برخی سوره‌ها یا آیات قرآن در جریان تدوین قرآن در زمان عثمان علاقه‌مند شدند. بعدها، جفری که برگشترسر نسخه‌ای از کتاب فضائل القرآن ابوعبید معمر بن مثنی (متوفی ۲۲۴ ق) را در اختیارش نهاد، مواد جالبی را برای این موضوع خود یافت. سه فصل این کتاب روایاتی را دربر دارد که براساس آنها مطالب زیادی از قرآن محذوف است.<sup>۳۹</sup> جفری خود در سال ۱۹۲۸ در مقاله‌ای با عنوان «نظر ابوعبید درباره آیات محذوف از قرآن» منتشر کرد و بعدها یکی از شاگردان برگشترسر، این فصل یا فصول را به چاپ رساند.<sup>۴۰</sup>

نولدکه در تاریخ قرآن<sup>۴۱</sup> خود این مباحث را که متأسفانه در متون اسلامی فراوان است با آب و تاب فراوان گردآوری کرد. در سالیان اخیر نیز جان برتون با تکیه بر این روایات که غالباً در بحث از نسخ آیات، در چند جای قرآن، ذکر شده، مقالاتی نگاشته است.<sup>۴۲</sup>

آقای الویری در آغاز کتاب خود چنین نوشته‌اند: «اما دشواری نگاشتن کتابی در این زمینه - به‌ویژه با در نظر گرفتن این واقعیت که این اقدام برای نخستین بار جامعه تحقّق بر تن می‌کند - که از یک سو

همین مقوله است. اثر گولدتسیهر درباره روش‌های تفسیری اسلامی که در سال ۱۹۲۰ در لیدن به چاپ رساند، اثری ارزشمند است که با وجود گذشت زمان، مرجع بودن خود را حفظ کرده است. این کتاب را دکتر عبدالحلیم نجار با عنوان مذاهب التفسیر الاسلامی (قاهره ۱۹۵۵/۱۳۷۴) به عربی ترجمه کرده است که آقای الویری اشاره‌ای به آن نکرده‌اند.

آنچه که آقای الویری درباره ریچارد بل (متوفی ۱۹۵۳) و بعد از آن وات آورده‌اند، بسیار شگفت‌انگیز است. ریچارد بل در سال ۱۸۷۶ در اسکاتلند به دنیا آمد. وی از دانشگاه ادینبورو در رشته‌های مطالعات سامی و الهیات فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۹۲۵ با کتاب شکل‌گیری و منشأ اسلام در محیطی مسیحی<sup>۴۳</sup> در مطالعات قرآنی گام گذاشت. در سال ۱۹۳۷ ترجمه‌ای از قرآن (جلد اول) را منتشر کرد. وی در این ترجمه ساخت مقبول در مصحف عثمانی را بر هم زد. جلد دوم این ترجمه نیز در سال ۱۹۳۹ منتشر شد. بل یادداشت‌های تفسیری بر این ترجمه گردآوری کرده است که به تازگی به چاپ رسیده است. کتاب اصلی بل در مطالعات قرآنی، مقدمه‌ای بر قرآن (Introduction to the Quran) است که نخستین بار در سال ۱۹۵۳ در دانشگاه ادینبورو، در زمان حیات بل، منتشر شده است. این کتاب به ویراستاری ویلیام مونتگمری وات در سال ۱۹۷۰ با همان عنوان منتشر شده است و میان محققان رواج دارد. تمام توضیحات مجدد آقای الویری (در ص ۱۰۹) نادرست است و ایشان به اشتباه مقدمه‌ای بر قرآن را تألیف وات معرفی کرده‌اند.<sup>۴۴</sup>

فعالیت‌های قرآنی آرتور جفری و اتینگهاوزن نیز نیاز به توضیح دارد. واژه‌های دخیل در قرآن تنها یکی از آثار آرتور جفری است. شرح دیدگاه جفری به مطالعات قرآنی و حتی کارهای محققان پیش از وی چون تودور نولدکه، گوتهلپ برگشترسر و اوتو پرتسل خالی از فایده نخواهد بود. در اواخر قرن نوزدهم یکی از موضوعات مهم در مطالعات قرآنی پاسخ به این سؤال بود که اطلاعات عهدی، آپوکریفایی و اطلاعاتی که در قرآن درباره ادیان دیگر آمده چه منشأی دارد؟ آیا تأثیر دیانت یهودی در این میان بیشتر است یا مسیحیت؟ ذهنیتی که در میان خاورشناسان شکل گرفته بود، حاصل مطالعات جدید متون مذهبی در غرب بود که این متون را نتیجه تعامل فرد با جامعه زمان خود می‌دانست. طرح این پرسش نباید برای خواننده مسلمان که به وحیانی بودن متون آسمانی عقیده دارد، شگفت آید. مطالعات مفصلی با این رویکرد را ابراهام گایگر، گروخ، گوستاو وایل، تودور نولدکه و دیگران انجام داده‌اند.<sup>۴۵</sup> واژگان دخیل جفری و کتاب منشأ اسلام و محیط مسیحی بل نیز در چنین زمینه‌ای تألیف شده است. چنین دیدگاهی هنوز ادامه دارد و پژوهش‌های مهم روبرتو توتولی و برانولر که به تازگی منتشر شده‌اند با چنین رویکردی است.

جمع‌آوری قرائات چون مقاله قرائت زیدبن علی (متوفی ۱۲۲ ق) توسط آرتور جفری نیز خود داستان جالبی دارد. این مقاله بخشی از طرحی را تشکیل می‌داد که گوتهلپ برگشترسر با جفری در سال ۱۹۲۷ قرار آن را گذاشته بودند. آنها تصمیم داشتند متنی انتقادی از قرآن منتشر کنند و در پاورقی تمام قرائت‌های بدیل را ذکر کنند. انجام این طرح به گردآوری تمام نسخه‌های خطی کتاب‌های قرائت و چاپ و تصحیح این آثار منتهی

است اشاره کنیم که ایشان در تألیف کتاب خود از کتاب تاریخ قرآن مرحوم رامیار بهره فراوانی برده‌اند و در مواردی به این استفاده اشاره و در مواردی بی‌هیچ اشارتی مطلب را نقل کرده‌اند و به آثار اصلی ارجاع داده‌اند، درحالی که خود این منابع را ندیده‌اند و از کتاب آقای رامیار بهره برده‌اند.<sup>۳۳</sup> از مباحث جالب توجه این کتاب مباحث ترجمه‌های مغرضانه از قرآن (ص ۲۰۵ - ۲۱۰)، احتجاجات بی‌زبانی‌ها، بر ضد اسلام (ص ۱۵۴ - ۱۶۱) مجادلات اروپای قرون وسطا علیه اسلام (ص ۱۶۵ - ۱۸۵) قابل ذکر است که عمدتاً همان خطاهای آقای الویری را دارد.

برای مثال ایشان درباره ترجمه مشهور دومینکوس گرمانوس دوسلزی<sup>۳۴</sup> چنین نوشته‌اند «درژمن دوسیسی نیز بین سال‌های ۱۶۵۰ و ۱۶۶۵ میلادی پس از مدتی اقامت در مشرق زمین ترجمه لاتینی قرآن را فراهم آورد که این نیز به سبب مشاجرات با مسلمانان به عمل آمده بود». (ص ۲۰۶). توضیحات مفصلی نیز در شرح حال فردی به نام دومینیکوس گرمانوس (۱۵۸۸ - ۱۶۷۰) آورده‌اند که در حقیقت هر دو تن یکی و نام صحیح «جرمانوس دوسلزی است (ص ۱۹۹ - ۲۰۰).»<sup>۳۵</sup>

عبدالله عباس الندوی نیز کتابی با عنوان ترجمات معانی القرآن الکریم و تطور فهمه عندالغرب (دراسة شاملة عن ترجمات معانی القرآن الکریم فی اللغة الانجليزية) دارد که در ۱۴۱۷ منتشر کرده است. برخی از نکات این کتاب، خاصه برخی مطالب درباره ترجمه برخی کلمات به انگلیسی مفید است اما اطلاعات ندوی درباره تاریخ ترجمه‌های قرآن آکنده از خطا و بدفهمی است.

ندوی درباره ترجمه رابرت کتونی چنین نوشته است: «پیتر جلیل که رئیس راهبان صومعه‌ای در کولونی (Cluny) بود، گروهی از راهبان را به شام فرستاد تا زبان عبری و عربی فرا گیرند. راهبی به نام هرمان که عهده‌دار مسئولیتی در دلماطیا بود، سیزده سال به فراگیری نحو و صرف، عمر خود را گذراند و ده سال دیگر نیز به فراگیری زبان عربی سپری کرد و به اندلس برای تدریس زبان عربی در مدرسه راهبان مسیحی در رتینا (Retina) بازگشت» (ص ۳۳ - ۳۴). در چند صفحه بعد نیز چنین نوشته‌اند: «اولین کوشش غرب برای آگاهی از قرآن، در دوره ۱۰۹۶ - ۱۲۷۰ م/ ۴۹۰ - ۶۹۹ ق. بوده است که قرآن به زبان لاتینی در سال ۱۱۴۳ م/ ۵۲۸ ق. توسط راهبان رتینا که در رأس آنها روبرت اهل چستر (Robert of Chester) که فردی انگلیسی اصل بود و هرمان از راهبان دیر دالماطیا بودند و این ترجمه به صورت خطی در صومعه پیتر برای چهار قرن باقی ماند. صنعت چاپ پدید آمد و تئودور بیلیندر آن را در شهر بازل در ۱۵۵۳ م. به چاپ رساند. روایت دیگری نیز درباره این ترجمه هست که راهبان مسیحی دو برگردان قرآن به لاتینی انجام داده‌اند. براساس این روایت بعضی از راهبان در ایتالیا و آلمان ترجمه‌ای که دو نفر قبلی انجام داده بودند، از بیم تأثیر آن در افراد مسیحی کم‌خرد و سست ایمان آن را سوزاندند و ترجمه لاتینی که در سال ۱۵۵۳ در شهر بازل به چاپ رسیده است، ترجمه دیگری است که گروه دیگری از راهبان کاتولیک آن را انجام داده بودند. با این حال ترجمه منسوب به رابرت چستری و هرمان باقی ماند» (ص ۳۹ - ۴۰). نمی‌دانم در قبال این

ویژگی‌های یک متن درسی را داشته باشد و در عین حال از انتقاد علمی لازم نیز برخوردار باشد، بر کسی پوشیده نیست» (ص ۲). این نکته سخن حقی است. ایشان در حوزه‌ای دست به قلم برده‌اند که کار مفیدی در آن انجام نشده و آنچه که موجود است نیز مشحون از خطاست. اگر آقای الویری به متون اصلی رجوع کرده بودند و با آثار تخصصی این حوزه آشنایی داشتند، چنین خطاهایی رخ نمی‌داد. استفاده بیش از حد آثار عرب‌زبان‌ها، در فزون‌تر شدن این خطاها تأثیر جدی داشته است. اما مزایایی که کار آقای الویری دارد نیز قابل ذکر است. این کتاب مسلماً در چاپ‌های بعدی نیاز به اصلاح دارد ولی فصل‌بندی و نثر کتاب در خور ستایش است.

این مباحث در جامعه ما هنوز در مراحل اولیه خود است. برای بررسی این امر، مدخل اشتروتمان در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (ج ۹، ص ۱۰) را بررسی می‌کنیم. در بخش آثار اشتروتمان از سه اثر ذیل نیز نام برده شده است: «تعالیم سری باطنیان طبق کتاب عقاید آل محمد تألیف محمدبن حسن دیلمی»، «بیبلیوتیکا اسلامیة استانبول، ۱۹۳۹ م، شم ۱۱؛ «متون گنوسی اسماعیلیه: نسخه خطی عربی امروزیانا، OHYH انتشارات فرهنگستان علوم گوتینگن، بخش زبان‌شناسی تاریخی، ۱۹۴۳ م؛ «میمون بن قاسم طبری: تقویم جشن‌های نصیری. متن درسی در باب دولت علویان سوریه»، در اسلام، ۱۹۴۶ م، شم ۲۷.

ذکر این سه اثر، به این نحو کاملاً مبهم است و خواننده گمان می‌کند که این عناوین، مقالات آلمانی اشتروتمان است. متن اول در حقیقت کتاب بیان مذهب الباطنیة و بطالانه منقول من کتاب قواعد عقائد آل محمد تألیف محمدبن حسن دیلمی است که اشتروتمان مصحح متن عربی آن است. اثر بعدی نیز کتابی است با عنوان اربع کتب اسماعیلیه (Cnosis Texte der Ismailiten) که در گوتینگن، (۱۹۴۳) به چاپ رسیده و شامل این آثار است: «مسائل مجموعة من الحقائق العالیه» از مؤلفی ناشناخته، «رسالة الايضاح و التبيين» نوشته علی بن محمدبن ولید (متوفی ۶۱۲ ق)، «رسالة تحفة المرتاد» تألیف علی بن محمدبن ولید و «رسالة الاسم الاعظم». همچنین، در شرح شماره ۱۸ نیز چنین باید گفت که ابوسعید میمون (سرور) بن قاسم طبرانی نصیری عالم نامدار نصیری (متوفی ۴۲۶ ق) کتاب مهمی به نام سبیل راحة الارواح و دلیل السرور و الافراح الی فالق الاصباح معروف به مجموع الاعیاد دارد که اشتروتمان متن کامل آن را در سه شماره Der Islam سال ۲۷ (هامبورگ ۱۹۴۴ - ۱۹۴۳) به چاپ رساند. اطلاعات موجود در مدخل «اشتروتمان» این اطلاعات را به خواننده نمی‌دهد (نیز ر. ک: عبدالرحمن بدوی، موسوعة المستشرقین، بیروت، ۱۹۸۹، ص ۲۰).

امید است که این اشکالات، موجب دلسردی مؤلف نگردد و شاهد چاپ جدید این کتاب با اصلاحات لازم در آن باشیم.<sup>۳۶</sup> در اینجا بد نیست به چند کتاب دیگر که در این حوزه تألیف شده‌اند نیز اشاره کنیم. دفتر تبلیغات اسلامی قم، کتابی با عنوان نگرشی تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام، تألیف دکتر جهانبخش ثواقب (قم، ۱۳۷۹) منتشر کرده که ایرادات مشابهی با اثر الویری دارد. قبل از هر چیز لازم

ترجمه یاد شده است که در کتابخانه واتیکان نگهداری می‌شود... آنچه که از این ترجمه باقی مانده، مقدمه‌ای از سگویایی است که وی در آن اصول ترجمه و برخی کلیات را باز گفته است. متن انگلیسی کتاب در اختیارم نبوده، ظاهراً اگر در اصل نیز چنین باشد، باید آن را به همان شکل گفته شده اصلاح کرد.<sup>۳۱</sup>

کتاب دیگر قابل ذکر در این مجموعه ترجمه عربی تألیف الکسی جورافسکی به روسی است با عنوان الاسلام و المسیحیة. این اثر را خلف محمدالجواد به عربی ترجمه کرده و در سلسله انتشارات عالم المعرفة (کویت) ۱/۴۱۷/۱۹۹۶) به چاپ رسیده است. نکات قابل ذکر این کتاب به نحو فهرست‌وار چنین است: اشارات اندکی درباره یوحنا دمشقی<sup>۳۲</sup> (ص ۷۰ - ۷۱)؛ توضیحاتی درباره این افسانه که پیامبر (ص) در آغاز شاگرد راهب نسطوری به نام سرژیوس بحیرا بوده و از طریق وی معلوماتی درباره انجیل و تورات اخذ کرده که عقیده رایج میان غربیان در قرون وسطی بوده است (ص ۷۱ - ۷۲)؛ ویژگی رده‌های بیزانسی در اشارات اندک به عقاید اسلامی برخلاف رده‌های مسیحیان سوری (ص ۷۳)؛ تأثیر فلسفی و علمی جهان اسلام بر غرب (ص ۳۶، ۴۸، ۶۴)؛ درباره پیتر جلیل و کارهای او (ص ۸۱ - ۸۴)؛ در مورد مجموعه طلیطله (ص ۸۲ - ۸۴)؛ خوان سگویایی نیکولاس کوزایی (ص ۹۱). دو اشارت کتاب جورافسکی نیز جالب توجه است: یکی از شخصیت‌های مهم در تاریخ مجادلات اسلام و مسیحیت، شخصی است به نام پدرو آلفونسی (متوفی ۱۱۲۰ م) پدر آلفونسی، یهودی الاصل بوده و پدرو که در منطقه آراگون اندلس می‌زیسته در ۴۴ سالگی به مسیحیت گرویده است. پدرو آلفونسی، کتاب زیج خوارزمی را به لاتین ترجمه کرد. مهم‌ترین کتاب وی در حوزه الهیات، کتابی به نام گفت‌وگوها است که متن آن در مجموعه‌ای بسیار مهم درباره رده‌های راهبان مسیحی بر اسلام یعنی

*Patrologiae Latinae Cursus Completus, Paris, 1844-1864*

به کوشش مینه (J.P. Migna) به چاپ رسیده است که نگارنده تنها چند مجلد از آن را در کتابخانه انجمن ایران و فرانسه دیده است.<sup>۳۳</sup> کتاب آلفونسی به شکل گفت‌وگو میان فردی یهودی به نام موسی (نام پدرو آلفونسی قبل از تعمید) و فردی مسیحی به نام پدرو یا پطرس است. پطرس در چهار فصل اول، سخنان و آرای موسی در دفاع از یهودیت را رد می‌کند. در آخر این فصل موسی یهودی از پطرس می‌پرسد چرا دین آبا و اجدادی خود، یهودیت را رد کرده و به مسیحیت گرویده است؟ چرا دین مسلمانان (ساراسن‌ها) را قبول نکرده است که در میان آنها زندگی کرده و با آنها نشست و برخاست داشته و زبان آنها را می‌داندسته و کتاب‌های آنها را نیز خوانده است؟ این سخن موضوع بحث فصل پنجم با عنوان قانون ساراسن‌هاست (محاورات، ج ۱۵۷، ستون‌های ۵۳۵ - ۷۰۶، فصل پنجم، ستون ۵۹۷ - ۶۰۶). موسی در ذکر محاسن اسلام می‌گوید اسلام دینی ساده و سهل و مبتنی بر عقل است و احکام آن با طبیعت آدمی همخوان است. موسی همچنین به این عقیده مسلمانان اشاره می‌کند که آدمی با وجود ارتکاب گناه به دلیل ایمان به خدا و پیامبر، در نهایت به شفاعت پیامبر از آتش دوزخ خواهد رست. پطرس مسیحی عقیده رایج

گفته‌های عجیب که بیشتر به داستان‌های کودکانه شباهت دارد، چه باید گفت، مشخص است که غلظت بالای ایمان و اعتقاد دینی، مجال چندانی برای بحث علمی باقی نگذاشته است و این عالم سعودی که هندی تبار است، بر خود لازم ندیده که درباره خیال باقی‌های خود تحقیق کند. اگر ایشان به کتاب خانم آلورنی که پیش از این به آن اشاره شد، مراجعه کرده بودند و فهرست کاملی از نسخه‌های متعدد ترجمه کنونی را در سراسر اروپا و کتابخانه‌های مختلف مشاهده کرده بودند، به خود جرأت نمی‌دادند از سر نادانی، این چنین کودکانه دست به قلم ببرند.<sup>۳۴</sup>

ایشان درباره ترجمه جرج سیل چنین نوشته است: «جرج سیل (۱۶۹۷ - ۱۷۳۶)، دومین مترجم قرآن به زبان انگلیسی که برخلاف الکساندر راس قرآن را از عربی به انگلیسی برگرداند، در آغاز ترجمه خود گفته است که به مجموعه‌ای از متون اسلامی دسترسی داشته است. اما در فهرست مجموعه نسخه‌های خطی که در اختیار وی بوده و بعد از مرگش به فروش رسیده است، جز تفسیر بیضاوی (انوارالتزیل) موجود نیست. محققان معتقدند که وی از ترجمه ماراجی که حاوی متن عربی عباراتی از تفاسیر مختلف بوده، بهره گرفته است» (ص ۴۸). این داوری آقای ندوی، از قول محققان، از قضا صحیح است و دنیسون راس در مقاله‌ای از آن سخن گفته است که به جا بود آقای ندوی به آن اشارتی می‌کردند.<sup>۳۵</sup>

اثر دیگری که لازم است از آن به اختصار یاد شود، کتاب محمد(ص) در اروپا تألیف مینو صمیمی و ترجمه عباس مهرپویا (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۲) است.

این کتاب در حوزه خود جالب و قابل توجه است اما در داوری کلی، اثر دست دومی است و مؤلف محترم آن به آثار اصلی این حوزه کمتر مراجعه کرده‌اند و بیشتر مطالب خود را از چند کتاب اساسی این حوزه اخذ کرده‌اند که به نظر می‌رسد اگر به جای این اثر، یکی از آن آثار ترجمه می‌شد، مفیدتر بود. برای مثال خانم صمیمی مطالب مهمی در بحث‌های کتاب را از کتاب کوتاه، اما بسیار مهم زیر اخذ کرده‌اند.

R. W. Southern, *Western Views of Islam in the Middle Ages*, Cambridge, Massachusetts, 1962.

موارد تصریح شده به نام این کتاب در صفحات ۱۸۸، ۱۹۴ - ۱۹۶، ۲۲۴، ۲۴۸ و ۲۴۹ است. با این حال نکته فوٹ این کتاب، نبودن اطلاعات غلط در آن است، اما در حوزه گزارش آرای غربیان درباره اسلام، نمی‌توان آن را متنی مهم یا کوششی جدی با تکیه بر مصادر اصلی این حوزه دانست. تذکر این نکته نیز خالی از فایده نخواهد بود که کتاب ساوترن را رضوان الهیه با این مشخصات به عربی برگردانده است: العربی سوئرن، صورة الاسلام فی أوروبا فی العصور الوسطی (بیروت: معهدالانماء العربی، ۱۹۸۴).

از نکات قابل ذکر کتاب محمد(ص) در اروپا توضیح مؤلف درباره ترجمه لاتینی خوان سگویایی از قرآن است (ص ۲۲۱ - ۲۲۲). خانم صمیمی در اشاره به این ترجمه گفته‌اند: «تنها مدرکی که از این کوشش به جای مانده است، تفسیر خوان سگویایی [در متن جان سگویایی] از



یکی از ویژگی‌های عام در اینترنت، ثبت اطلاعات به زبان انگلیسی است و اغلب سایت‌های اینترنتی نیز اطلاعات خود را با آوانگاری و حروف انگلیسی، وارد سایت کرده‌اند. برای مثال عناوین فراوانی از آثار عربی و فارسی، اردو، ترکی و غیره وجود دارد که با آوانگاری انگلیسی در اینترنت قابل جست و جوست. به دلیل عدم بررسی تخصصی این فهرست، مشخصات آثار فراوانی به زبان‌های عربی، فارسی، اردو و ترکی به آن وارد شده است. از این میان، موارد زیر قابل ذکر است.

#### آثار عربی:

ص ۵۳ تا ۸۵، شماره‌های ۲ تا ۷۶؛ ص ۸۷، شماره‌های (۸۱-۸۲)؛ ص ۸۹، شماره‌های ۸۴-۹۷؛ ص ۹۵، شماره‌های ۹۹-۱۰۲؛ ص ۱۱۲، شماره ۱۳۶؛ ص ۱۳۱، شماره‌های ۱۷۹-۱۸۰؛ ص ۱۳۶، شماره ۱۹۱؛ ص ۱۵۱، شماره‌های ۲۳۶-۲۳۷؛ ص ۱۵۹، شماره ۲۴۰؛ ص ۱۸۶، شماره‌های ۵-۶؛ ص ۸۷، شماره‌های ۱۴-۱۵؛ ص ۱۸۸، شماره ۲۰؛ ص ۱۸۹، شماره ۲۰؛ ص ۱۹۵، شماره ۶۴؛ ص ۱۹۷، شماره ۷۹؛ ص ۲۰۰، شماره‌های ۱۰۰-۱۰۱؛ ص ۲۰۲، شماره ۱۰۹؛ ص ۲۲۰، شماره ۲۱۳؛ ص ۲۲۴، شماره‌های ۴، ۶-۷؛ و ص ۲۸۴، شماره ۴۲. جمعاً ۱۱۱ کتاب یا اثر به زبان عربی است که اولین مورد بسیار جالب توجه است یعنی حدود ۳۲ صفحه پشت سر هم عناوین عربی است.

#### آثار فارسی:

ص ۷۲، شماره ۴۷ (داستان پیامبران، علی موسوی گرماردی)؛ ص ۷۳، شماره ۵۱ (جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، محمدتقی مصباح یزدی)؛ ص ۱۶۳، شماره ۲۵۰ (ترجمه فارسی قرآن، بهاء‌الدین خرمشاهی)؛ ص ۲۰۹، شماره ۱۵۳؛ ص ۲۱۰، شماره ۱۶۱ (ترجمه قرآن به فارسی، حسین خسروی). جمعاً ۵ عنوان فارسی است.

#### آثار اردو:

ص ۸۷، شماره ۸۲؛ ص ۹۶، شماره ۱۰۳؛ ص ۱۲۲، شماره ۱۵۸؛ ص ۱۲۳، شماره ۱۶۱؛ ص ۱۴۶، شماره ۲۱۲؛ ص ۱۴۷، شماره‌های ۲۱۵-۲۱۶؛ ص ۱۵۱، شماره ۲۲۴؛ ص ۱۵۸، شماره ۲۳۹. (جمعاً ۹ مورد است.)

#### کتاب‌های ترکی:

ص ۵۲، شماره ۱۲۸، شماره ۱۷۲؛ ص ۱۲۹، شماره‌های ۱۷۳ و ۱۷۵؛ ص ۱۴۹، شماره ۲۲۱؛ ص ۱۸۰، شماره‌های ۲۹۲-۲۹۳ (جمعاً ۷ عنوان).

#### کتاب‌های مالایی

ص ۹۴، شماره ۹۸؛ ص ۱۰۱، شماره ۱۱۳؛ ص ۱۱۱، شماره ۱۳۴؛ ص ۱۱۲، شماره ۱۳۵؛ ص ۱۱۴، شماره ۱۴۱؛ ص ۱۱۷، شماره ۱۴۶؛ ص ۱۱۸، شماره ۱۴۷؛ ص ۱۲۲، شماره ۱۵۷؛ ص ۱۲۳، شماره ۱۵۹؛ ص ۱۲۵-۱۲۶، شماره‌های ۱۶۴-۱۶۷؛ ص ۱۳۲، شماره‌های ۱۸۱-۱۸۸؛ ص ۱۵۲، شماره ۲۲۵؛ ص ۱۸۱، شماره ۲۹۶.

میان مسیحیان درباره پیامبر رایج می‌کند که وی قرآن را به یاری فردی یهودی و فردی مسیحی تألیف کرده است و معجزه‌های دال بر نبوت خود نیز نیاروده است و در رد عقلانیت دین اسلام، به آیاتی از قرآن استناد می‌کند که به کارگیری زور را بر مردمان تجویز می‌کند، خاصه آیات جهاد. به علاوه به مسئله بر صلیب کشیدن عیسی اشاره می‌کند و می‌گوید که یهودیان و مسیحیان بر مرگ عیسی بر صلیب متفق‌القول اند اما احفاد اسماعیل یعنی مسلمانان آن را انکار می‌کنند (ص ۷۸-۸۰). نکته با اهمیت دیگر کتاب جورافسکی، مطالبی کوتاه درباره حرکت تبشیر است. به نوشته وی پیگیری و شکل‌گیری منظم حرکت‌های تبشیری میان مسلمانان، حاصل فعالیت‌های فردی به نام رامون دی بینیا فورتی (۱۱۷۵-۱۲۷۵م) از راهبان فرقه دومینکن است (سومین راهبی که آزادی اصلاحی وی در تکوین این فرقه نقش داشته است). فورتی در طلیطله مدرسه‌ای برای آموزش راهبان به نام «Studium arabicum» تأسیس کرد. هدف دیگر این مرکز که در ۱۲۲۲ اعلام شد، رهایی مسیحیان در بند و ساکن در قلمرو مسلمانان بود. راهب مسیحی دیگر، ریموند لول فرانکلین (۱۲۳۵-۱۳۱۶ م) نیز اقدامات مشابهی داشت<sup>۳۳</sup> (ص ۸۹). راهب مبشر دیگر، ریگالدو دومونته کروچه (متوفی ۳۲۰ م) است که بحثی درباره وی نیز آمده است (ص ۹۰). کتاب خالی و بری از خطا نیست. برای مثال این گفته جورافسکی که ترجمه‌های لاتینی مارک طلیطله‌ای و خوان سگویایی از بین رفته است، نادرست است و ترجمه مارک طلیطله‌ای به نحو کامل در چندین نسخه و مقدمه خوان سگویایی باقی است.

#### فهرست کتاب‌های علوم قرآنی و تذکر چند مطلب

دبیرخانه نهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم، در سال ۱۳۸۰، کتابی با عنوان فهرست کتابهای علوم و معارف قرآنی چاپ شده به زبان‌های لاتین (۱۹۹۵-۲۰۰۱) به همت انتشارات کتاب مبین (رشت) در ۳۶۰ صفحه به چاپ رسانده است. کتاب، محصول جستجو در پنج پایگاه اطلاع‌رسانی در شبکه جهانی اینترنت بوده است که البته برای امکان جست و جوی مجدد از ادغام اطلاعات آنها خودداری شده و در ذیل هر پایگاه نام آثار آمده است (البته به نظر می‌رسد دلیل اصلی عدم حذف این آثار عدم توان شناخت و تفکیک آنها و تعجیل برای چاپ کتاب باشد). در مقدمه کوتاهی که بر این کتاب نوشته شده، هدف تألیف آن چنین آمده است: «... آنچه حائز اهمیت است برداشت‌های متفاوت خاورشناسان می‌باشد که در دو بعد علوم قرآنی و معارف قرآنی به انجام رسیده است... به همین منظور بر آن شدیم تا کتابشناسی ۸۶۸ عنوان کتاب چاپ شده در خارج از کشور را که به زبان لاتین چاپ و منتشر گردیده است، به حضور هموطنان قرآن پژوه عرضه داریم». بنابر آنچه که در این مقدمه کوتاه آمده است، هدف اصلی فهرست نمودن آثار خاورشناسان و نیز آثاری است که به زبان لاتین نوشته شده است. اما بررسی کامل کتاب، خلل و اشکالات فراوانی را در انجام این خواسته نشان می‌دهد. شیوه‌های جست‌وجو در اینترنت متفاوت است و برای جلوگیری از درج اطلاعات نادرست، باید از شیوه‌های خاصی بهره برد.



Ross, "Ludovico Marracci", Bulletin of the school of Oriental studies, 2 (1921-23), pp. 117-123.

در مقاله فوق (ص ۱۱۷) سال چاپ ترجمه ماراتچی به خطا ۱۵۹۸ ذکر شده که نادرست است.

3. Theodor Bibliander (1504-1564).

4. Ulrich zwingli

5. Johannes Herbest or Oporinus (1507-68)

6. Corpus Toletanum

7. see: H. Bobzin, "Latin Translation of Koran", Der Islam, Lxx, Heft 2 (1993), pp. 196-197.

8. Cardinal Juan de segovia (d. 1458)

9. David A. kerr, "Pennini, Ricoldo (da Monte Cruce)", in : Gerold H. Anderson, ed., Biographical Dictionary of Christian Missions, Cambridge, 1998, p. 526.

10. see: H. Bobzin, "A Treasury of Heresis", in stefan wild, ed., The Quran as Text (E. J. Brill, Lieden, 1996), pp. 167-172.

11. see: M. Borrmans, "observations a propos de la premiere edition imprimee du coran a Venise", Quaderni di studi Arabi, 8, 1990, pp. 3-12; idem, "Presentation de la Premiere edition imprimee du covan a Venise," Quaderni di studi Arabi, 9, (1991), pp. 93-126.

متن کامل سوره بقره از این چاپ (ص ۱۰۵-۱۲۲) در مقاله اخیر آمده است. همچنین ر. ک:

Angela Nuovo, "A lost Arabic Koran rediscovered", Sixth the library - 12 (1990), pp. 273-292

12. Duncan Brockway, op. cit, p. 141-142.

۱۳. درباره پارت بنگرید به:

W. A. Graham. "In memorian Rudi Paret (1901-1983)", Muslim world, 73 (1983), pp. 133-141; J. Van Ess, "Rudi Paret (1901-1983)", Der Islam, 61 (1984), pp. 1-7; Walter W. Muller, "Rudi Paret (1901-1983)", ZDMG, 136 (1986), pp. 1-7; H. Eisenstein, "Rudi Paret", Archiv für Orient fors chung 31 (1984), p. 237.

و مدخل «پارت» در دانشنامه جهان اسلام به قلم محمد سردانی.

14. R. Bell, The Origin of Islam in its christian Environment (London, 1926); rep. 1968.

جمعا ۲۳ مورد معرفی شده است. یک مورد نیز کتابی هندی است (ص ۱۲۸، شماره ۱۷۱).

یکی از مواردی که به حجیم شدن کتاب انجامیده، ذکر ترجمه‌های متعدد قرآن کریم است. از ترجمه‌های جرج سیل (ص ۵، ۱۹۹)، عبدالله یوسف علی (ص ۳۴، ۳۶، ۴۴، ۱۶۸، ۱۸۵، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۳۷، ۲۴۶، ۲۵۵، ۳۰۴، ۲۹۸)، محمد مارمادوک پیکتال (ص ۱۶۸، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۱۴، ۲۳۶، ۲۴۵، ۲۵۲، ۲۷۴، ۳۰۶، ۳۰۹، ۳۱۱، ۲۹۷) رشاد خلیفه (ص ۲۵، ۲۰۴، ۲۰۵، ۱۴۵، ۲۹۳)، فضل‌الله نیک آیین (ص ۲۰۳)، عبدالمجید دریاباری (ص ۳۴)، اربری (ص ۲۵۴)، احمدعلی (ص ۶، ۱۸۷)، محمد سرور (ص ۱۷۵)، شاکر (ص ۳۹، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۵۳)، داود (ص ۲۱۳)، ادوارد دهنری پامر (ص ۴۴)، محمد فاروق اعظم (ص ۲۷۱)، میرزا غلام احمد قادیانی (ص ۴۷)، مولانا محمدعلی لاهوری (ص ۱۰۷)، ماجد فاخری (ص ۱۷۲، ۲۳۲، ۲۵۶، ۳۰۰، ۳۱۳)، کالین ترنر (ص ۱۷۳، ۲۵۷، ۳۰۷) به کرات در این فهرست نام برده شده است.<sup>۳۳</sup>

از ۸۶۸ عنوان کتاب فهرست شده، ۱۴۶ عنوان کتاب به زبان‌های غیر لاتین، ۸۸ عنوان ترجمه قرآن به زبان انگلیسی و ۲۶ عنوان کتاب خارج از موضوع آمده است. بنابراین، حدود ۳۰ درصد از اطلاعات کتاب نادرست است. وجود این حجم مطالب نادرست، این پرسش را به وجود می‌آورد که انگیزه اصلی در این اطلاع‌رسانی آشفته چه بوده است.

### سخن پایانی

در پایان تنها این گفته مرحوم اسعدی را نقل می‌کنم که هنوز داوری کاملی درباره آثار منتشر شده در این حوزه نیست: «قابل توجه است که این جریان به رغم اهمیتی که برای مسلمانان داشته، تاکنون مورد تدقیق و تحقیق و تفحص بایسته و جدی قرار نگرفته و شمار آثار جدی در این زمینه در زبان‌های اسلامی، به‌ویژه در زبان فارسی، بسیار اندک است و اکثر آنچه هست آثاری جدلی و غیرعالمانه است».

### پی‌نوشت‌ها:

۱. محمدهادی معرفت، تاریخ قرآن، تهران، ۱۳۸۱، ص ۲۰۵.  
عبدالقهار داودالعانی در الاستشراق والدراسات الاسلامیه، بغداد، ۱۹۷۳، ص ۱۹ همین مطلب را به نقل از زنجانی نقل کرده است. کتاب عبدالقهار العانی برخلاف عنوان آن به بحث از جواز یا عدم جواز ترجمه قرآن براساس آرای مسلمانان و تذکراتی درباره ترجمه ن. ج. داود (N.J. Daovd)، ترجمه عبدالله یوسف علی و جرج میل پرداخته است. اختصار مؤلف (حجم کتاب: ۴۲ صفحه) و استفاده از منابع نه‌چندان مهم، کتاب را اثری سطحی کرده است.

۲. برای مباحثی کامل درباره ترجمه ماراتچی، شرح حال و اهمیت ترجمه وی به دو مقاله مهم زیر رجوع شود:

Duncan Brockway, "The second edition of Volume I of Marracci Alcorani Textus", The Muslim world, 64 (1974), pp. 141-144; E. Denison

من الحروف التي خولف بها الخط القرآني (ص ۲۸۱-۳۱۹)، باب ما رفع من القرآن بعد نزوله و لم يثبت في المصاحب (ص ۳۲۰-۳۲۷).

20. Anton spitaler, "Ein Kapitel aus den Fadail at Quran Von Abu Ubaid al-Qasim ibn Sallam", Doc. isl. ined, 1952, pp. 1-24.

۲۱. نک: مدخل «تاریخ قرآن» در دانشنامه جهان اسلام به قلم محمدرضا بهشتی.

22. J. Burton, The Colection of the Quran, (Cambridge University Press, 1977); idem, "The interpretation of Q, 23 and Muslim theories of naskh", Occasional Papers of the school of Abbasid studies, 1 (1986), pp. 40-54; idem, "The exegesis of Q. 2: 106 and the Islamic theories of Naskh", Bulletin of the School of Oriental and African studies, 48, 1985, pp. 452-469; idem, "The interpretation of Q 87, 6-7 and the theories of nash", Der Islam, 62 (1985), pp. 5-19.

برتن و به تبع وی خانم البزه لیختن اشتاندر، هر دو در مقالاتی جداگانه، آیات غرانیق را مصداقی از موارد حذف التلاوة مع الحکم یاد کرده‌اند که استثنائاً باقی مانده‌اند. ر. ک:

I. lichtenstadter, "A note on the gharanig and related Quranic problems", Israel oriental studies, 5(1975), pp. 54-61; J. Burton, "Those are the high flying Cranses", Journal of semitic studies, 15(1970), pp. 246-265.

در میان خاورشناسان که در حوزه سیره نبوی قلم زده‌اند، ویلیام مونتگمری وات، بر صحت ماجرای غزنین اصرار فراوانی دارد. ر. ک:

W. M. Watt, Muhammad at Mecca, oxford, 1960, pp. 101-109, idem, what is Islam, pp. 42-45.

۲۳. متاسفانه اشکالات کتاب الویری، محدود به این موارد نیست، و اینها فقط اشکالاتی است که نگارنده به آنها نطق یافته است. برای مثال ایشان در ص ۱۰۹ نوشته‌اند: آربری (۱۹۶۹ م.) نیز کتاب نام‌ها و مترادفات در قرآن را نگاشت. این مطلب خطاست و آربری در این سال تنها مقاله‌ای با عنوان «مترادف و متشابه در قرآن» نگاشته که معرفی نسخه‌های خطی کتابخانه چستربیتی است. ر. ک:

A. J. Arberry, "Synonyms and Homonyms in the Quran", IQ, 3.13 (1969), pp. 135-139.

این اشکال ظاهراً به منبع مورد استفاده ایشان یعنی عقیقی بازمی‌گردد. توضیحات ایشان درباره تاریخ قرآن نولده چندان دقیق نیست (ص ۱۰۸). برخی مطالب مذکور توسط ایشان، داوری‌های ارزشی است. مثلاً در ص ۱۱۸-۱۱۹ درباره کارهای مویر نوشته‌اند: ویلیام مویر (۱۹۰۵ م)، اسکاتلندی الاصل تبعه انگلستان که یک مبشر دینی بود،

۱۵. درباره ریچارد بل ر. ک:

A. Rippin, "Reading The Quran with Richard Bell", Journal of the American Oriental Society, 1992, pp. 310-323.

16. See: E. A. Rezvan, "The Quran and its world: Vol. V III/ 1. Contra Leyem saracenorum: The Quran in Western Europe", Manuscripta Orientalia, 4, No. 4 (1998), p. 46.

17. Materials for the history of the text of the Quran: the old Codices, Leiden: E. J. Brill, 1937, rep. Newyork, 1975.

یکی دیگر از مقالات جفری که با چنین پیش‌زمینه‌ای تألیف شده، مقاله زیر است:

"A Variet text of Fatiha, The Muslim world, 29 (1939), pp. 158-162.

این مقاله و گزارش تلخیصی از کتاب Materila در یک اثر ضداسلامی جدید با مشخصات

Ibn Warraq, ed., The Origins of the Koran, Prometheus Books, Newyork, 1998.

تجدید چاپ شده است.

18. A. Jeffrey, "The prophet of Islam", Muslim world, 28 (1938), pp. 180-186; idem "was Muhammad a prophet from his infancy". Muslim world, 20 (1930), pp. 226-234; idem "The quest of the historical Mohammed", Muslim world, 16 (1926), pp. 327-348.

البته شاید مقصود ایشان از تألیف کتاب تاریخ محمد اثر زیر باشد:

A. Jeffery, Islam. Muhammad and his Religion, Newyork, 1958.

مقاله اخیر در اثری ضداسلامی به نام پرسش از تاریخیت پیامبر اسلام به ویراستاری فردی با نام مستعار ابن وراق منتشر شده است. ر. ک:

The Quest for the Historical Muhammad, ed., by., by. Ibn warraq, Amherst, N. Y. Prometheus, 2000

گفتنی است که مجله مسلم ورلد را ساموئل زویمر (تسومر) که خود کشیشی مبلغ بود، پایه‌گذاری کرد و تا سال‌های اخیر این مجله، چنان که در صفحه عنوان آن نیز ذکر می‌شد، نشریه‌ای تبلیغی بود. ظاهراً در سال ۱۹۷۹ سمت و سوی مجله تغییر کرده است.

۱۹. ابوعبید قاسم بن سلام، فضائل القرآن، تحقیق مروان العلیه، محسن الغرابه و وفاء تقی‌الدین (بیروت، ۱۹۹۵/۱۴۱۵)، ابواب: تألیف القرآن و جمعه و مواضع حروفه و سوره (ص ۲۸۰-۲۸۸)، باب الروایة

Islamicus, I iii (1978), pp. 51-53; Munawar Ahmad Anees and Alia N. Athar, Guide to sira and Hadith Literature in Western Language, London, 1980, pp. 29-135; Majid Ali Khan, study of The life of the Holy Prophet in the light of the Original Sources with A View to Refute some of the Allegations of western Biographers, Aligarh, 1980, 433 pp; Zafar Ali Qureshi, Prophet Muhammad And His Western Critics, Ilmi Kitab Khana: Lahore, 1984, pp. 98; Bernard E. Dold, Carlyle, Goethe and Muhammad, Edizioni Dott, Antonino Sfameni, 1984, pp. 192;

دو کتاب زیر که تصویر کلی اسلام در غرب را گزارش داده‌اند، نیز مفیداند: عدنان محمد عبدالعزیز وزان، صورة الاسلام فی الادب النجلیزی، ریاض: دارالشعبیه، ۱۹۹۸، دو جلد؛

Ahamd Gunny, Images of Islam in Eighteenth - Century Writings, Grey Seal, London, 1996.

۲۴. از موارد قابل ذکر می‌توان به ثواب (ص ۱۵۵-۱۵۶)، رامیار (ص ۱۲۵-۱۲۷)؛ ثواب (ص ۱۵۶)، رامیار (ص ۱۲۸) را ذکر نمود. مقایسه بهتر و کامل متن این دو کتاب امکان دارد به شناخت موارد دیگر نیز منتهی شود.

25. Franciscan Dominicus Germanus de silesia (1588-1670).

معرفی مهمی از ترجمه لاتینی وی در ۱۸۸۳ به چاپ رسیده است که بوبتسین مشخصات آن و مقاله‌ای که به تازگی درباره وی نوشته شده، چنین یاد کرده است:

M. Devic, "Une traduction inedite du Coran", in Journal asiatique, I (1883), pp. 343-406; F. Richard, "Le Franciscain Dominicus Germanus de silesie, grammairien et auteur d'apologie en Persan", Islamo - christiana, 10 (1989), pp. 91-107. see also: Hasasn Maayergi, "History of translations of the Meanings of the Holy Quran into the Polish Language", Journal Institute of Muslim Minority Affairs, p. 542.

۲۶. نام درست خوان سگوبایی در صفحه ۱۷۰ به صورت جان آلفونسی دوسگوبیا آمده است. نکته‌ای نیز درباره بحث مقدماتی مؤلف محترم در آغاز کتابشان با عنوان مسائل کلامی میان مسلمانان و مسیحیان (ص ۵-۲۵) قابل ذکر است. بحث تعریف عهدین به نحوی که ایشان طرح کرده‌اند، چندان مستدل نیست. برای مثال ر. ک: حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۳۷-۱۴۰. عالم

کتاب زندگانی محمد و تاریخ اسلام را با دیدی خیانت‌آمیز تألیف کرد. مرحوم اسعدی در یک جمله درباره این آثار مویر نوشته است: «مهم‌ترین اهتمام همسنگ این آثار (کارهای نولدکه و وایل) در کارنامه اسلام‌شناسان انگلیسی، همانا سیره‌ای بود که سرویلیام میور (۱۸۱۹-۱۹۰۵ / ۱۲۳۵-۱۳۲۳) با عنوان The life of Muhammad در سال ۱۲۷۸/۱۸۶۱ فراهم آورد» (ص ۱۲۸). کتاب سیره پیامبر که مویر تألیف کرده بود، مخالفت‌هایی را در بین مسلمانان هند برانگیخت، جالب توجه آن است که در هند، نخست سرسیداحمدخان هندی در نقد مویر و دفاع از اسلام اثری تألیف کرده است. ر. ک:

Aziz Ahmad, "Sayyid Ahmad khan, Jana/ ad-Din al-Afghani and muslim India, "Studia Islamica, XIII (1960), pp. 55-78.

برای نقد دیدگاه‌های مویر، وات، مارگلیوث، بروکلمان رولهاوزن ر. ک: Jabal Muhammad Buaben, Image of the Prophet Muhammad in the west: A study of Muir, Margoliuth and watt, The Islamic Foundation, Leicester, UK, 1996, pp. 416; Zafar Ali Qureshi, Prophet Muhammad and his western Critics: A Critique of W. Montgomery watt and others, Idara Maarife- Islami Mansoorah: Lohore, 1992, 2 Vols;

عبدالله محمدالأمین النعیم، الاستشراق فی السیره النبویه: دراسته تاریخیه لاراء (وات - بروکلمان - قلهاوزن) مقارنة بالرؤیة الاسلامیة، ویرجینیا: المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ۱۹۹۷/۱۴۱۷.

بررسی کتاب‌شناسانه از تصویر پیامبر در غرب و تحول آن، حاصل از فعالیت‌های مستشرقان، موضوع پایان‌نامه دکتری محمد ماهر حماده بوده که اینک با عنوان کتابات السیره النبویه بین الشرق والغرب من أقدم العصور حتی الوقت الحاضر (ریاض، ۱۹۸۲) به چاپ رسیده است. نیز ر. ک:

Rudi Paret "Recent European Research on the life and work of Prophet Muhammad", Journal of the Pakistan Historical Society, 6 (1958), pp. 81-96; Maxime Rodinson, "A Critical survey of Modern studies of Muhammad", in M. L. Swartz, ed., studies on Islam (new york and oxford, 1981), pp. 23-85.

ترجمه و تفصیل این مقاله به فرانسه نیز موجود است:

M. L. Swartz, "Bilan des etudes mohammediennes", Revue Historique, 229 (1963), pp. 169-220.

نیز ر. ک:

W. M. Watt, "Carlyle on Muhammad", Hibbert Journal, 53 (1954-55), pp. 247-254; idem, "Secular historian and the study of muhammad", Hamdard

Variorum, 1994.

مقاله دوم و هفتم این مجموعه به مارک طلبله‌ای اختصاص دارد و مقاله‌های دیگر به ترجمه کتونی. نسخه‌ای به خط کتونی در کتابخانه آرسنال فرانسه از ترجمه لاتین وی وجود دارد. شرح آن را در مقاله اول این کتاب ببینید.

28. Denison Ross, "Ladovico Marracci", Bulltin of School of Oriental and African studies, 2

(1921-23), pp. 117-123. cod. vat. lat.2923

۲۹. به نوشته بوبستین در کتابخانه واتیکان و با این مشخصات ر.

ک:

Hartmut Bobzin, latin Translation, p. 201, no. 32

۳۰. مهمترین تحقیقات درباره یوحنا دمشقی آثار زیر است:

Daniel J. Sahas, John of Damascus on Islam : The Heresy of the Ishmaelites, Leiden, 1972; idem,

"John of Damascus on Islam, Revisited",

Abr-Nahrain. 23 (1984-1985), pp. 104-118.

۳۱. درباره پدرو آلفونسو به آثار زیر رجوع شود:

John V. Tolan, Petrus Alfonsi and His Medieval Readers, Gainesville, Florida, 1993; P. S. J. Van

Konings Veld, "Petrus Alfonsi, een 12de eeuwse schakel tussen islam en christendom in spanje",

Historische betrekkingen tussen moslims en christenen, ed. p. Van Koningsveld (Nijmegen,

1982), pp. 127-146.

۳۲. درباره کتاب مرحوم اسعدی نیز این مطلب قابل ذکر است:

ایشان به نقل از کتاب‌شناسی جهانی ترجمه‌های قرآن کریم درباره کهن‌ترین ترجمه قرآن به زبان اروپایی چنین نوشته‌اند: «قابل توجه است

که نخستین ترجمه چاپ شده از قرآن مجید در زبان‌های اروپایی همانا ترجمه منتخبی است که مترجم آن معلوم نیست و در سال ۹۱۱/۱۵۱۵،

یعنی ۲۸ سال زودتر از چاپ نخستین ترجمه لاتینی، و ۱۳۳ سال زودتر از چاپ نخستین ترجمه کامل انگلیسی قرآن به قلم الکساندر رای، در لندن

چاپ شده بوده است؛ حجم کل این ترجمه همراه با یک مقدمه، ۶۱ صفحه است، و از بارزترین نشانه‌های عطف توجه جدی انگلیسی‌ها به

مطالعات اسلامی بوده است» (ص ۷۸). این مطلب اساساً نادرست است و متن موردنظر تنها شش صفحه است و ترجمه یک آیه از قرآن را نیز

دربرنیارد و نوشته‌ای تند بر ضد اسلام است. در این باره ر. ک:

Motakhkhar Hussain Khan, "Bibliographic Control

of Quranic Literature: an Evaluative Survey",

Islamic Quarterly, 1993, pp. 95-135.

درباره اشکالات کتاب‌شناسی ترجمه‌های قرآن کریم ر. ک:

محمدکاظم رحمتی، «تأملی بر کتاب‌شناسی جهانی نسخه‌های خطی ترجمه‌های قرآن کریم»، مجله آئینه پژوهش، آذر - اسفند ۱۳۸۰ (۷۱-)

مسیحی قرن سوم، عمارالبصری نیز بحث جالبی در این باره در کتاب البرهان و کتاب المسائل والأجوبة التحقیق می‌شمال الحایک، بیروت: دارالمشرق، (۱۹۷۷)، ص ۴۱-۴۶ آورده است. برای بحثی عالی از انتقادات مسلمانان به مسیحیان به کتاب عبدالمجید الشرفی، الفکر الاسلامی فی الرد علی النصارى حتى نهاية القرن الرابع (تونس، ۱۹۸۶) رجوع شود. برای فهرست تقریباً کاملی از مقالات و کتاب‌هایی که درباره روابط اسلام و مسیحیت نگاشته شده ر. ک:

Robert Caspar, "Bibliographie du dialogue islamo - chretien", Islamo christiana, vd. 1 (1975), pp.

125-81, vol. 2 (1976), pp. 187-249, Vol. 3(1977),

pp. 255-86, Vol. 4 (1978), pp. 247-67, Vol. 5

(1979), pp. 299-317, Vol. 6 (1980), pp. 259-99,

Vol. 7 (1981), pp. 299-307, Vol. 10 (1984) pp.

273-92.

دیوید توماس (David Tomas) مصحح و مترجم کتاب تبیین

غلط محمدین هارون در جلد اول کتاب خود، فهرست بلندی از ردیه‌های عالمان مسلمان بر مسیحیت را ذکر کرده است.

David Tomas, ed and Tr., Anti - christian Polemic

in early Islam: Abu Isa al-warraq Against Trinity,

Cambridge, 1992.

مجموعه‌ای مهم از متون ردیه‌های مسلمانان و مسیحیان بر یکدیگر

را نیومن در اثر زیر گردآوری کرده است:

N. A. Newman, The Early christian - Muslim

dialogue: a collection of documents from the first

three Islamic centuries (632-900 A. D),

translations with commentary, Hartford, PA:

Interdisciplinary Biblical Research Institute, 1993.

همچنین بخشی از ردیه مشهور ابن تیمیه (متوفی ۷۲۸ ق)، الجواب

الصحيح لمن بدل دين المسيح (قاهره: مطبعة التیل، ۱۳۳۲ ق / ۱۹۰۵ م،

جلد ۴) را توماس میشل (Thomas F. Michel) همراه با مطالعه‌ای

درباره آن به انگلیسی ترجمه کرده است:

A Muslim Theologian's Response to christianity

(Delmar, New york, Caravan Books, 1984).

۲۶. برای گزارشی از آثار عالمان مسیحی بر ضد اسلام به کتاب‌های

مهم زیر رجوع شود:

Ludwig Hagemann, Christentum Contra Islam,

Primus Verlag, Darmstadt, 1999; John Victor

Tolan, ed., Medieval Christian Perceptions of

Islam Routledge: New york and London, 2000;

۲۷. به مجموعه مقالات خانم آلورنی مراجعه شود:

Marue - Therese d'Aluery, La Connaissance de

l'islam dans L'occident medieval London:

Alastair Hamilton, William Bedwell, *The Arabist* (1563-1632), E. J. Brill: Leiden, 1985, 163 pp.

بادویل بنیان‌گذار مطالعات عربی در انگلستان است. وی شاگردان فراوانی چون جان گروس (۱۶۰۲-۵۲) (John Greaves)، نخستین جغرافیدان مصر در انگلستان، آبراهام ویلوک (Wheelock) (Abraham)، نخستین استاد زبان عربی در دانشگاه کیمبریج و ادوارد پوکوک (۱۶۰۴-۱۶۹۱) (Edward Pococke)، نخستین صاحب کرسی لودین (Laudian) در دانشگاه آکسفورد داشته است. بادویل در ۱۵۶۳ در روستای اسکس (Essex) به دنیا آمد و از ۱۵۷۸ تا ۱۵۸۸ به مدت ده سال در دانشگاه کیمبریج تحصیلات عالی خود را به اتمام رساند. به نوشته میشال جحا، وی علاوه بر تالیف معجم عربی در سه جلد، قرآن را نیز به انگلیسی ترجمه کرده است (میشال جحا، *الدراسات العربية والاسلامية في أوروبا بيروت: معهد الأبحاث العربية*، ۱۹۸۲، ص ۳۰). درباره مطالعات عربی در انگلستان ر. ک: میشال جحا، همان، ص ۳۷-۸۰.

J. D. Latham, "Arabic and Islamic Studies in the U. K", *New Books Quarterly*, Vol 1. Nos 2-3 (1981), 37-45; Robert Simon, Ignaz Goldziher: His life and scholarship as reflected in His works and Correspondence, E. J. Boill: Leiden. 1986-457 pp. Raphael Patai, *Ignaz Goldziher And His Oriental Diary*, Wayne State University Press: Detroit, 1987, 165 pp.

فهرست برخی از آثار این حوزه که به قلم احسن (M.M Ahsan) در مجله 'The Muslim World Book Review' سال اول، شماره: چهارم (تابستان ۱۹۸۱)، ص ۵۱-۶۰ منتشر شده، منابع خوبی برای تحقیق در این حوزه است که متن آن در اینجا درج شده است. موریس صلیبا نیز فهرست بلندی از رساله‌های دکتری در موضوعات اسلامی و عربی را با این عنوان منتشر کرده است: موریس صلیبا، *الدراسات العربية والاسلامية: أطروحات و رسائل ۱۸۸۱-۱۹۸۱*، لبنان ۱۹۸۳.

علی‌بن ابراهیم النملة، *الاستشراق في الأدبيات العربية: عرض للنظرات و حصر وراقی للمکتوبه ریاض: مرکز الملک فیصل للبحوث والدراسات الاسلامیة*، ۱۹۹۳/۱۴۱۴؛ عبدالجبار ناجی، *تطور الاستشراق في دراسة التراث العربی، دار الجاحظ للنشر، بغداد، ۱۹۸۱*؛ مازن بن صلاح مطبقانی، *الاستشراق والاتجاهات الفكرية في التاريخ الاسلامی، دراسة تطبيقية على كتابات برنارد لويس، ریاض: مكتبة الملك فهد الوطنية*، ۱۹۹۵/۱۴۱۶؛ محمدشريف الشيباني، *الرسول في الدراسات الاستشراقية المصنفة بيروت: دار الحضارة العربية*، ۱۹۸۸/۱۴۰۸؛ عبدالله محمداًمین النعیم، *الاستشراق في السيرة النبوية: دراسة تاريخية لآراء (وات - بروكلمان - فلهاوزن) مقارنة بالروية الاسلامیة، ويرجينيا: المعهد العالمی للفكر الاسلامی*، ۱۹۹۷/۱۴۱۷؛ مصطفى ماهر، *الماتيا والعالم العربی: دراسات تتناول الصلات الثقافية والعلمية والفنية بين الامان والعرب مذاقدم العصور الى أيامنا هذه، بيروت: دارصادر، ۱۹۷۴*.

(۷۲)، ص ۱۱۴-۱۱۷. اشکالات دیگری نیز در متن کتاب وجود دارد که به اغلب آنها در متن مقاله اشاره شده است. همچنین برای فهرست کاملی از آثار عرب‌زبان‌ها در این حوزه ر. ک: علی‌بن ابراهیم النملة، *الاستشراق في الأدبيات العربية: عرض للنظرات و حصر وراقی للمکتوبه ریاض: مرکز الملک فیصل للبحوث والدراسات الاسلامیة*، ۱۹۹۳/۱۴۱۴.

۳۳. برای گزارش عالمانه‌ای از مترجمان انگلیسی قرآن ر. ک: Mofakhar Hussian Khan, "English Translations of the Holy Quran: A Bio-Bibliographic study", *Islamic Quarterly*, 30 (1986), pp. 82-108.

در مورد کتاب‌شناسی مطالعات قرآنی به آثار زیر رجوع شود: Muhammad Adil Usmani, *Islamic Studies: Literature on the Quran in the English Language - A Bibliography, Islamic Documentation and Information Centre, University of Karachi*, 1986, 108 pp; M. M, Ahsan, *Believers and the Quran: A survey of studies in English*, in the muslim world Book Review, Vol 7 No. 4, 1987, pp. 3-20; S. Parvez Manzoor, "Method Against Truth: Orientalism and Quranic Studies", in the Muslim World Book Review, Vol. 7 No 4, 1987, pp. 33-49; idem, "Translating the Untranslatable: A Survey of English Translations of the Quran", *Muslim World BK. Rev.* 7, no. 4 (1987), pp. 66-75; Munawar A. Anees, "Islamic studies - publish and perish Book and Periodical Citations on Tafasir alQuran in western Languages", *Muslim world Book Review*, 5, no. 2 (1985), pp. 55-68; syed Athar Husain, *The Quran and the Orientalists*, Anjuman Faiz-e-Aam: Lucknow, 1982; Towqueer Alam Falahi, *British Studies in the Quran*, Academic Books, Aligarh, India, 1998.

مرتضی کریمی‌نیا، کتاب‌شناسی مطالعات قرآنی به زبان‌های اروپایی ۱۷۰۰-۱۹۹۵، تهران: الهدی، ۱۳۸۰. برای نقد مطالعات قرآنی غربیان به آثار زیر رجوع شود، گرچه این آثار بدون استثنا کارهایی ضعیف و کم‌ارزش و بی‌اعتبارند: تقی صادقی، *رویکرد خورشناسان به قرآن، تهران، ۱۳۷۹*؛ عمر بن ابراهیم رضوان، *آراء المستشرقین حول القرآن و تفسیره، ریاض، ۱۹۹۳/۱۴۱۳*؛ محمدصالح بنداق، *المستشرقون و ترجمة القرآن الکریم، بیروت، ۱۹۸۳*؛ حسن معایرجی، *الهیئة العالمیة للقرآن الکریم (دوحه)*، ۱۹۹۱؛ محمد خلیفه، *الاستشراق والقرآن العظیم، نقله الى العربية مروان عبدالصبور شاهین، قاهره، ۱۹۹۴*.

آثار مستشرقان درباره پیشگامان شرق‌شناسی، فراوان است. به عنوان مثال می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد: